

شاه عبدالعزیز و ملوک و ثانی از قاضی سنار الله نقشبندی
 مجید و می یانی پچی که در اعمال حزب البحر عامل کامل بود و نزد
 حرمه بنی اسال و وظیفه خویش می داشت و او شان میسنی
 قاضی حماد بن مویون افتد کردند از شهر فیض الهمی و مطرح
 و نواز قاضی سندیان شمس الدین حبیب الله حشر نادر راجا بجا
 شد فلذل الشاوه علی رؤس الطالبین و ادام برکاته الی
 یوم الدین پس بدانکه این حزب در اصل منسوب است
 بشیخ عظیم القدر ابو الحسن شاذلی و باید دانست که این
 کنیه شایسته و نام شان علی بن عبد الله است و وقت
 شان در سال ششم و پنجاه و شش است قبر شان در
 ملک عرب و رحمه بدانکه نقات قتل کرده اند که شیخ ابو الحسن
 شاذلی در جبال قاهره بود و ایام حج نزدیک سریده بود و آنجا
 یاران خود را فرمود که از جانب غیب اشاره فرستد بدانکه

اسال حج گزاری عریضه مرکب کنی یا ان هر چند طلب کروند
 نیافتند الا مرکب پس نصرانی بر همان مرکب سوار شدند
 چون باو بان برداشتند و از عمارات قاهره گذشتند
 باو مخالف و ندین گرفت و یک جبهه نزد یک قاهره و چونیکه
 جبال قاهره بنشر می آمد توقف افتاد مگر ان زبان طعن کشاوند
 که شیخ میگوید مرا اشاره حج شده است و وقت نزدیک سپید
 و ما انجاد باو مخالف افتاده هم شیخ بشنیدن ان ای کلام و قلوب
 اتفاقا و قیلوله بود که باین عالم گشت چون بیدار شد
 این دعا خواندن گرفت و رئیس مرکب فرمود علی برکت افتد
 تعالی باو بان برد اگر گفت اگر برد ارم همین ساعت باو بان
 مرکب ابقا هر و باز رساند شیخ فرمود بردار و عجیب شیخ
 الهی را تماشا کن آخر کار باو بان برداشت پس باو موافق
 بقوتی شروع شد که رکن تملی میبخت توانستند کشاد

نیکو کار پیر و بیست تمام بهائیت و سیر و مقصد مبارک
 رسیدند پیشتر پیر نصرانی سلمان شدند و آن پیر نصرانی شبانه
 بخواب و بیکه شیخ با جماعت عظیمه بهشت سیر و مسکن
 همراهِ سیر و مدخواست که در پی آنها و و ملا که زجر کردند که تو
 اهل این نیستی صبح آن نصرانی هم سلمان شد و رفته رفته حساب
 مقامات عالی گشت و اهل آن ناحیه با وفعت میبستند و تنی
 در شهروشنه اکبر و روستا و وشت هجری فقیر را بواسط
 از مصنفات حضرت شیخ ولی الله قدس الله سره
 که شرح حرب البحر القنفیه فرموده اند بنظر در آمد شیخ
 اسناد اجازت خود بس عالی و صمیم نوشته است -
 حَيْثُ قَالَ شَافِعِي رِبَاجَ زَوْجِ حَزْبِ الْبَحْرِ شَيْخُنَا
 أَبُو طَاهِرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُرْدِيُّ الْبَدَائِي
 قَالَ قَدَّمْتُ حَزْبَ الْبَحْرِ عَلَى الشَّيْخِ أَحْمَدَ الْخَلِّي

وَأَجَازَنِي بِهِ رِثْقِي سِرًّا أَيْتَهُ وَاجَازَتْهُ عَلَى شَيْخِهِ
الشَّيْخِ عَيْسَى الْمَغْرِبِيِّ وَهُوَ أَخَذَ عَنْ أَبِي الصَّاحِ
عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي أَلْبَارِ
أَحْمَدَ الْمَقْرِي عَنْ عَمِّهِ سَعِيدِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَقْرِي
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْجَلِيلِ النَّبِيِّ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْفَضْلِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
مَرْوُوقٍ الْخَفِيزِيِّ عَنْ أَبِي الطَّيِّبِ بْنِ عَلَوَانَ
السَّيْنِيِّ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْبَطْنِيِّ عَنْ أَبِيهِ
أَبِي الْعَرَبِ عُمَرَ مَافِي بْنِ سُلْطَانَ خَادِمِ الشَّيْخِ
أَبِي الْحَسَنِ الشَّاذَلِيِّ عَنْ الشَّيْخِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ
ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ الشَّاذَلِيِّ وَالْأَيْضًا
أَخَذَ الشَّيْخُ أَحْمَدَ التَّنَاجِيَّ عَنْ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي هَالٍ
عَنِ الشَّيْخِ سَالِحِ السَّنْهَرِيِّ عَنْ أَبِي عَمْرِو النَّجْمِ الْغُبَرِيِّ

عَنْ شَيْخِ الْإِسْلَامِ زَكَرِيَّا بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ حَبِيبِ الْعِلْمِ
 ابْنِ الْقُرَاتِ عَزَّ الْقَاجُ حَبِيبِ الْوَعَايِ بِرِجَالِ الشُّبُكِيِّ
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ التَّمِيمِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي حَبِيبٍ عَنِ ابْنِ الشُّبُكِيِّ عَنِ الشُّبُكِيِّ بْنِ
 عَطَاءٍ اللَّهِ عَزَّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ الشَّيْخُ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَسِّي عَنِ ابْنِ الْحَسَنِ
 الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ الشَّاذَلِيِّ وَنَازِلِ حَضْرَتِ شَاهِ وَلِي أَمَدِ قَدَسُ
 نُوْشْتَه است که فقیر او و حزب البحر اسنادی دیگر است
 سواي این اسناد که قائم گردانید این فقیر او در شام شیخ ابو الحسن
 شاذلی و جمعی که قبله همت شیخ بود متوجه ساختند و به نسبت
 شیخ متلبس کرده بجزاج او بر آوردند و حزب البحر را بنزد
 کتو ساختند برای مشاهد و صنع اعلی شمس تعلیقته منی
 و منی اخذتند و نفسی کانت فی عطاء حمدی بنی
 پس یکدفعه علوم بسیاری از کتو به شهو و گشته و رقت
 تحریر هر چه محفوظ ماند نوشت غرض که شیخ قدس سره

در جمیع علوم بسیار که بر وی نازل شده بود در فواید بسیار
 بتفصیل نگاشته بود لیکن چون تمام آن علوم در خور فهم و استماع عامه
 مومنان نبود و اکثری در خور فهم بود و غرضی مقتصد به هر یک
 بدان تعلق نداشته اند این فقیه از آن کتاب فوایدی
 که بهر خاص و عام نفع رساند القاط نموده و درین اوراق نوشته
 و هر که خواهد که بر تمامه آن علوم و معارف الطلاع حاصل کند
 به جمیع حضرت شیخ و بس سر و رجوع نماید و المسؤول
 من الله التوفیق فائده شیخ در جمیع عاشره از مقدمه نوشته
 که معنی دعوت ملکیه آنست که داعی متشبه شود بملک که سفلی که
 در میان آسمان و زمین تصرف میکند و داعیه را او بنماط گیرد
 بوجهیکه مناسب است بد داعی ملکیه بوجهیکه مناسب است
 بد داعی بهائم و داعیه ملکیه را تقویت کند بتلاوت اسماء و آیات
 که بطریق تفویض دلالت کند بر نفوذ آن داعیه بالجماله آنچه

در شریعت امر کرده اند بر روز جمعه از غسل نهی است
 و استعمال ثیلب و بنگیر سبک که تشبه ایست از اعتکاف و با
 و در روز مشغول بودن و نماز نفل گذاردن و از من جمعه باجمعت
 عظیمه گذاردن از قبیل تشبه بلامکه است و نیز نوشته
 که این فقیر اسعالم شده که در وقت اول طلوع صبح نماز
 تا اشاره مقابل صبح شستن و چشم را با آن نورد و ختن
 و یا کف و زانین را با گرفتن کیفیت یکبار اوقات سید و احوال
 نفس امی نشانده و تیرمی از فضول نداشتن و اختیار اخذ و تطیفه
 سبک بر سینه و باز احوال نفس و در بودن و خطر و حما
 در غایت گذراندن تشبه بلامکه را بر ورش سید و از اوقات
 اجابت نصحت لیل و وقت طلوع صبح تا برآمدن آفتاب
 و وقت زوال شمس و وقت غروب و اوقات عشره اخیره
 و ساعت مرجو و جمعه و لیلة البرة و عشیه عزه اقتدار کردن

و بعضی اهل دعوت اوقات نجومیه را اعتبار کرده اند و مختار
همان است که اول گفتیم و از هیئات شمار خوش مزو و درختان
شمر و ماضی کردن بعبادت مشتری مناسب است و طیب
بنانی بعبادت زینب و قریب است و خاک مقبره ای قدیم
و پر طیور و موشی مثل گرگین زبل نزد یک خون غروس جلود
سبحان و لحیم فحول بهایم هر پنج متواخی فائده شیخ فرمای
ماوی عشر از مقدمه نوشته که بعضی خواص حزب البحرین فقر
بنور توفیق در یافته و بیان طریق استعمال آن بر وجه کلی
مکرم حزب البحر در اکثر اعمال تفریقیه جاریست اما طریقه آنست
که پیش از فقر که مناسب حاجت اوست بعد از آن تقوی
کن چنانچه آن فقر را بمسئور او خود ضمیرین تلاشت آن فقر و هر بار که این فقر
بخواند همان صورت در خاطر گذراند و بکار آن فقر را در آن گفته
کند شتاد بار یا بیفت بار یا سکه بار هر قدر که نفس او شش شود

و آنچه یا اسمیکه مناسب اوست همراه او تلاوت کند و در رکعت
 تلاوت آن آیت یا اسم را بعد از آن حزب را با قدر رساند
 و پاک نیست اگر بعضی مواضع تجلیه کند پس این تا رسیدن
 معین است بر حفظ و فهم و عدم تأثر از رساوس و هواوس
 و همچنین سَأَلْتُ الْعَصْمَةَ بِهِنَّ تَوَائِدُ دَارٍ وَلَقَدْ كَذَّبَ
 الْقَوْلُ إِلَى ظُلْمٍ كَجَابِ اسْتِزْعِيُونَ ظُلْمًا وَهَمَّ
 بِحَمْدِ اللَّهِ بِأَنَّا نَحْفَظُ ظُلْمًا لَقَدْ كَذَّبَ الْقَوْلُ بِرِ
 اسَكَاتِ اَعْدَاءِ اِثْنَانِ نَفِيَا اسْتِزْعِيُونَ وَهَمَّ
 إِلَى يَحْيَى وَنَحْوِ يَلُوكَ وَاَمْرًا غَلْبَهُ دَرْجُ كَشَادُ
 بَسْمَةِ كَرَمِ بَرِ اَنْ بِنَظَرِ اَيْدٍ وَحَمْنِ حَسْبِ كَهْ عِلَاجِ اَنْ مِيسِرِ
 نَشُورِ نَفْسِ فَتَنَتِنَا إِلَى مَلَكُوتِ كَلَشِيحِي وَطَلَبِ
 نَفَقَةِ الْغَيْبِ وَطَلَبِ كَشْفِ اَمْرَانِيهِ وَطَلَبِ اَنْوَاعِ اَنْ
 مَثَلِ اَشْرَافِ بِرِ خَوَاطِرِ مَشِي عَلَى الْمَاءِ وَغَيْرِ اَنْ وَرَهْبِ لَنَا

الی قید بر آید که مناسب نفقته الغیب است اللّٰهُمَّ
 رَبَّنَا اَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ الْاُولٰٓئِیِّ بِرَایِ بَرَان
 حاجات و کمالات مهت در اللّٰهُمَّ کَسِّرْ لَنَا اُمُورَنَا الْخِ
 و تالیف زوجین متناشرین و متناصمین در صفة البکرین
 یکتبین و اگر کسی منسوب عالی باشد که حفظ آداب شریع
 با نازل متغیر شود بهین آیت را اکتار کند و برای گریز از حق قلنا
 چون باین آیه یَسْأَلُ الِیْهِمْ یُجِیْبُ و نَوَاسِکَاتِ اهل بیت
 در لفظ هم جمع است لایسته همان و مرز از آفات و زوان و
 ظالمان و یَسْأَلُ اللّٰهَ بَابُنَا و برای دفع چشم زخم و سحر
 و مهت اهل تم در ستر العرش و طلب علم لدنیه در
 حَوَاتِنِ مِلِّ الْکُتُبِ و دفع سموم و اوجاع و یُسْمِعُ اللّٰهُ
 الَّذِیْ لَا یُضَرُّ و ایتام دفع روت و رجعت وین جوید و قوم مفر
 و انذار وین و لا حول و لا قوَّةَ و برای سموی باغ و خانه

و بهر چه این قبیل باشد در انفس تا لیکن در شمن باید
 و برای حفظ است و اقمشه قاله عن غیر ما و شاک است
 کند و تفتت الغیب این در آن و لی الله جود و دروغ
 بهن و نحو آن حکمی الله حکمی است برای شمن و یارانی و شمن
 قدیمه خاک بگیر و شش بیازد و بر یک جانب بنویسد
 شَامَتِ الْوُجُوهُ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْغَيْبِ وَفِي
 خَابٍ مَن حَمَلَ ظُلُمًا و بر جانب دیگر بنویسد وَلَوْ تَنَادَّ
 لَطَمْنَا إِلَى يَرْجِعُونَ و در آن خانه اندازد و برای
 شربت اعد این آیت را بر دو جانب عکس بنویسد و محفوظ
 ایستادشاید و همچنین شمن انصراف برای سبب در قلوب است
 لَحْوَ لَحْوَ لَحْوَ لَا يَنْصَرُونَ و در بهترین ساعت نوشته
 بر عهد خود بند و برای در روز هفت بار در هب آن کر
 کت بعد از آن إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا

وَحَقَّتْ وَادَّ الْأَرْضُ مَدَاتٍ وَالْقَتَّ مَافِيهَا
وَحَلَّتْ سَهَابًا رَوَاهُ مَرَانِ زَن وَم كَنَد و بَرَامِي عَيْنِ مَنَافِ
وَسَب لَنَا وَتَدَارِ بِرَا قَوِي الْغَرَضُ اِنْ مَنَافِ طَوِيلُ الْبَطْلِ
اَسْتَكْلَامُ جَزِي وَاِنْ مَوْقُوفُ بَرْدِ مَن سَامِعٌ يَكْذِبُ اَرِيْمُ
وَيَنْزِلُ شَيْخٌ قَدِيسٌ سَرُو نَوْشْتَه كَه مَن تَعَبٌ يَكْنُمُ اَزْ كِيكِه وَاَوَّلُ
وَاَفْرَحُ رِبِ الْبَحْرِ اَعْتَصَامُ وَاَقْتَنَامُ مَيَّخَوَانْد وَاِجْتِهَاتُ كَسْرُ قُوْتِ
بَعْضُ مَرُوْتِ بِلَالِيَه اَوْ عِيَه جِهَالِيَه مَيَّخَوَانْد نَسِيْدَانْدَكِه شَيْخِ اَوْجِبَتْ
اَسَاعُ حَلْمُ خُو وَاَمِيْنُ فَرَاتِ رَاخُو وَرَعَايَتْ كَرُو دَا سَتِ
اَبْدَا مَيَكْنَد اَزْ يَا اَعْلَى يَا عَظِيْمُو وَاَقْتَنَامُ مَيَّ نَسَا يَدِ بَرِ
حَسْبِي اللّٰهُ وَبِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي لَا اَيْفُؤُكَ وَلَا اَحْوَلُ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ مَوْجِبُ بَرِ كَلِمَه بِلَالِي وَاَوْجِدُ اَنْ كَلِمَه
جِهَالِي مَيَّ اَزْ وَاَقُوْلُ لِيَكُنْ اِنْ فَقِيْرًا اَزْ طَرِيقَه حَقِيْرَتْ
قَاغْنِي مَنَارُ اَمَّا نَلَا مَنَارُ اَعْتَصَامُ وَاَقْتَنَامُ مَيَّ رَسِيْدَه سَتِ

وخوانند ان کلمات قرآنی را و کار را بشاکیته مفید تر خوانند
 پس در احسنه میخوانند و بعد از آن قیامه ایست که از ایشان
 الی ما اناس المؤمنین و قوله تعالی ترانزل علیکم من
 بعد الغمر آمنه الیه و قوله تعالی محمد رسول الله
 و الذین معک لا یجحدون اباننا جحاد ذرا
 س ش من ض طاطاع غ فاق لکل من
 و یا ارب سوجل و یروی لا یستمر علیما یا رب
 ینعم الله الذین الیهم یاعلی یا عظیم یا حلیو
 یا علی و انت ربی و علیک حسبی فی نعم الرب
 ربی و نعم الحسب حسبی تنصرون من تشاء حق
 انت الغنی رب الذین یوفاء لا کایه علیک بسی و سنی
 کلامی که حضرت غلیل شد علیه سلام الله در وقت الفار
 غروب بود از آتش بجهنم علیه سلام گفته که حسین

من علی
 من ابی

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ كِنَانِي تَرْجُمَهُ اِي بلند مرتبه اِي بزرگوار
 اِي برادر اِي دانای سرار تو پروردگار منی و علم تو
 باحوال من گفتار کننده است پس نیک پروردگار است
 پروردگار من و نیک گفتار کننده است گفتار کننده من
 فقرت میدهی هرگز اینخواهی و تو غالب هر بابی فائده اگر بدستی
 یار نیسی خواهی که رعیت با او موافقت کند و مخالفت نشوند
 و با او محبت کنند و بر وفق شرع و عقل کار بایستد و آید چنانچه
 کارهای او را از غیب باز و باید که برین فقره مواظبت کند
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعِصْمَةُ فِي الْحَرَكَاتِ وَالسَّكَنَاتِ وَالْكَلِمَاتِ
 وَالْأَعْيَادَاتِ وَالْمُحَاطَرَاتِ مِنَ الظُّنُونِ وَالشُّكُوكِ
 وَالْأَوْهَامِ الشَّائِرَةِ لِلْقُلُوبِ عَنِ مُطَالَعَةِ الْغَيْبِ
 ترجمه میطلبم از تو نگارم اشتن نفوس خود و جمیع حرکات
 و سکانات که از جو ارح ما پیدا شود و از جمیع

سخنها که از زبان ابرآید و در جمیع داعیه باو خطره پاک و تخمیر
 عادت کرد و از فراغت اعتقادات فاسده و از فراغت
 ترددات و او با هم که می پوشند و اما باز داشته اند از نظر
 علوم غفیه و تدبیر با حکمت که در شیب فقر است و عوام از
 نمی بینند و نمی دانند فاسده شخصی که از حال نیک بحال بد
 افتاده باشد مثل بتزیر و فسق و لهو یا زنی و غمی دارد و یا بدست
 نفس او را پر کرده دل کرده باشد این فقر و بغایت مناسب است
 اکثر تکالوت این فقر و او را ازین بلا با خلاص کند فقید
 اَبِیْكَ الْمُؤْمِنُونَ وَرَأَى لَوْ زِلْزَلًا كَثِيرًا يَدَّاهُ
 اِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ
 مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ اِلَّا كَذِبًا وَرَأَى
 ترجمه باین سبب سوال عصمت میکنیم که هر آینه اشخان
 عظیم پیش آمده است سلیمانان را و جنبانیده شده اند

علامه از سنن کبیر

بنیائین سخت و سوال عصمت میکنند در آنوقت که میگویند
 منافقان و آنانکه در ولما می ایستادند و عهد نهاده بودند
 ما خدا و رسول او گزینیم و او را فایده ندادند و فتنه برآ
 سببیه است وقوع مردم در بلا و شمع آن بلا سبب
 سوال عصمت میتواند شد لهذا شیخ بجای اینکاک و قرآن
 بود که فتنه آورده و عطف و او بر معنی کلام مقدم است
 چرا که وقت ابتدای مومنان و انکار کافران وقت است
 در سوال عصمت را و از آنکه موضوع است برای وقت
 بجای سبب ذکر کرده میشود فائده نزول این آیه
 در قعه اخراب بود که کفار محاصره کردند پیغمبر علیه السلام
 بمخندق متحصن گشت و پس منقطع شد و منافقان
 زبان طعن گشادند و فرشت الهی در سید ریخی که موجب
 تشویش حال کافران و تقویت مومنان بود و زیدن گرفت

و آن مصیبت دفع شد شیخ بترک بایه کرد و حسن الفطن
 بایشه تنوّل مال خود و مثل حال آتش در امید و اگر گشت
 قاهره شخصی را که حزن دل و پرانگی فاطر با ویت نفس
 و هجوم خطرات باشد این فقره را با فقره شکاکت بخواند
 و اگر کند دفع شود و اگر شخصی یارسی را که دوستان او را
 یا دشمنان او را در شان او گفتگو شود برای دفع این غل
 این فقره را با فقره قنیت نادان و سخنرانی با لیس بخواند و
 مبالغه کند و در خواندن و وقت تلفظ تا شدیداً صورت
 دوستان و مخالفات ایشان یاد کند و اشاره رز و ابطال
 بدست نماید و وقت تلفظ و اذیقول المنافقون تا آخر
 صورت دشمنان و مجادلات آنها مستحضر سازد و اشاره رز و
 ابطال کند قنیتنا و انهم ناکوین فلنا هذا البکر کما
 سخن است البکر موسی علیه السلام و

دفع خطرات

التَّائِبِينَ اهْتَمِرْ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَضَرَّعْتَ الْجِبَالِ
 وَالْأَحْدِيدَ لِدَايِ دَعَاكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَضَرَّعْتَ النَّجْمَ
 وَالشَّيَاطِينَ وَالْجِنَّ لِسُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 وَتَضَرَّعْتَ الْبَرَّاقَ وَالْقُلُوبَ لِسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 وَالسَّلَامُ وَتَضَرَّعْتَ لَنَا كُلَّ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ
 وَالسَّمَاءِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَتَضَرَّعْتَ الدُّنْيَا
 وَتَضَرَّعْتَ الْآخِرَةِ وَتَضَرَّعْتَ لَنَا كُلَّ شَيْءٍ يَا صَبِيحَ بَيْدِ ۸
 مَلَكُوتِ كُلِّ شَيْءٍ حَسْبُكَ يَا كَبِيرَ جَوَادِ رَمَادِ وَتَضَرَّعْتَ لَنَا
 چنانچه من ساخته دریا را برای موسی و من ساخته آتش را برای ابراهیم
 و من ساخته کوهها را و آهن را برای داود و من ساخته بار و دریا را و
 پایش را برای سلیمان علیه السلام و من ساخته برق چون و انس را
 سرور را محمد صلی الله علیه و آله و سلم و من ساخته و ان برای ما
 هر و دریا که ملک است و در تصرف است و زمین

و آسمان و در عالم ملک و عتالم ملکوت و در یاسی و یار
 و در یاسی آفریت و یاسی و سرگردان بر آب و هر چیز را می آنگه
 بدست قدرت اوست فرمان روای همه چیز قائده
 بر چندین بیت و ما لهما مقصده در یابود آنگاه باز است که مراد
 از بحر نشاء کلیه که مشتمل بر افراد مختلف الاثار باشد یا کار
 که موقوف بر افعال بسیار باشد از او گفته اند و در آخر
 لفظ کل بحر و بحر الدنیا و بحر الآخرة آورده قائده داعی را
 باید که وقت تلفظ سخن را بداند البحر همان مراد را اینجا که باید
 مرض باشد یا کار بسته یا حرب بین القومین و بین حرب
 و وقتیکه اطباء از معالجه مرض درمانند و وقتیکه چنان کار
 بسته شود که تدبیر آن نیابد از کثرت تملکات این فقره
 لطیفه غیبی پیش آید که فتح بر اعدا و کشادگی کار میسر شود
 قائده تسخیر بحر الدنیا عبارت از آنست که نشاء دنیا از اهم

و فتح بر اعدا و
 تسخیر بحر الدنیا

ملا را علی اثر پذیرد تا سعادت و نیویه مثل کثرت اموال
 و اولاد و اتباع و محاسب و طول عمر و انس خاطر و الطمینان نفس
 و قیصر امور و سعادتی بوجود آید و تسخیر بحر الاخره عبارت
 از آن است که عبادات این شخص علی وجه التمام و صفا
 اعمال او ثبت شود و معطلی آنرا ناقص نسازد و در حقیقت
 از علیین و صورت این عمل در آید و آنرا نموی و بدین ترتیب
 می بینیم که اگر می آید که گفته است **اِنْ نَصْرْنَا فَانْكَ**
خَيْرُ النَّاصِرِينَ هُوَ فَمَنْ لَنَا فَاِنْ لَكَ خَيْرُ الْفَائِزِينَ
وَاعْفُ لَنَا فَاِنْ لَكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ و **اسْمُنَا فَاِنْ لَكَ**
خَيْرُ الرَّحِمِينَ و **وَارْزُقْنَا فَاِنْ لَكَ خَيْرُ الْارْزُقِينَ**
وَاحْفَظْنَا فَاِنْ لَكَ خَيْرُ الْحَافِظِينَ و **وَاَهْزِمْ**
وَنَجِّنَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ترجمه یاری ده و باز گیر که
 تو بهترین یاری و نهدگانی و بکشای کارهای بسته ما زیرا که

بهترین گشت نندگان و بیامرز ما را زیرا که تو بهترین آفریننده
 و بهترین کن بر ما زیرا که تو بهترین هدایتی و روزی و ما را
 زیرا که تو بهترین روزی و بندگانی و نگاهدار ما را زیرا که
 تو بهترین نگاهبانانی و راهبها ما را و خلاص کن ما را از دست
 ستمکاران فائده و در باب حسن نبات اشجار و ذروع
 و شجران کسیر باید کرد و بر لوح خشب بخط جلی باید نوشت
 و در اعلی مواضع از باغ و گشت می باید گذاشت و بر
 ثمر و خست معین بر برگ آن بصره و ثمر آن باید نوشت
 و برای جمال و قبول و فرج شخص بشک و گلاب بر کافور
 نوشته بر سر او باید بست و اگر زن باشد و صفت محسن
 باید نوشت از انصافها از رزقها و هب لاینک لکنک
 رَحِمًا طَيِّبَةً كَمَا هِيَ فِي عِلَاكِ قَاتِلٍ مَا عَلَيْنَا مِنْ
 خِزَانٍ رَحْمَتِكَ وَاحْمِلْنَا بِعَاحِلِ الْكَرَامَةِ مَعَ

و باغ و شجران
 و کسیران

الشَّامَةِ قَالَتْ لَعَنَ فِي الدِّينِ الدُّنْيَا وَكَافِرًا
 اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ترجمه خوش برای از آن
 نزد یک خود باد می خوش بصفتی که در علم است و پراگنده
 ساز آنرا از خزینه های رحمت خود و پیر و بار بار آن باد
 خوش بخواستنی که سبب بزرگی باشد باسلامت و صفا
 در دین و دنیا و آخرت هر آینه تو بر هر چیز توانایی قائده
 هر چند سبب انشاء این دعا میخواید که مرا و از هیچ همین باد
 مشغول باشد اما ممکن است که سبب باطن و عام را و
 باشد از آسمان عالم غیب و سرایت الهامات ملا اعلی و عالم
 شهادت بجهت رفیق این شخص در خاطر او پاد و خاطر دیگران
 برای او و آمدن قوت مثال در عالم شهادت و برکات
 عالم روح و جسم علی و عیون عالم علوم اشرف بر خواطر و اشرف
 بر قیوس و کشف و افعات آینه و شمل گرد و در قوت افعال شاقیه

از همه بر مغرور و بلیش حقیر معهود و بوجود آید استخوانی و سینه و سینه
 و سینه است و بدینچه قرآن عظیم آید و است و سینه و سینه و سینه
 ای فکر که در معرفت هر چه سبب اوئی سبز باشد و قنای
 می آید و می رود و به سبب سبب سبب و چون این سبب از یک
 خزانه نیست گاهی از خزانه علم باشد مثل شرافت و کشف
 و گاهی از خزانه قدرت چون فتح خیر و علم باب او و گاهی از
 خزانه رحمت چون نفقه الغیب و گاهی از خزانه سعادت
 و کرب باشد و این ساعت و گاهی از خزانه اندراج قوت
 مثال و شهادت مثل شی علی الماء و گاهی از خزانه سحر و ارجاع
 مثل سبب شکر و تجلیات معنوی که اگر از اولیا را سینه
 از انبیا جمع آورده که خزائن حیات است و این فقره
 قد الح انت که سبب اکثر این لطیفه و عظیم است و بدین سبب
 در سبب بعد از او از الیه آفتاب و صفتها اگر در سبب اگر نفقه است

از انبیا و اولیا و سینه
 بر سبب از نفقه و سینه

مطلوب باشد چهار کوه بار یا و یا باشد بخواند و سه بار دعا
 حضرت عیسی علیه السلام اللَّهُمَّ رَبَّنَا انْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً
 مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً
 مِنْكَ وَارْتُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ بخواند
 و اگر زیست و اشراف مطلوب است چهار کوه بار
 يَا عَلِيمُ يَا مَبِينُ يَا خَبِيرُ و سه بار و نیز نازل
 مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ فِي رَحْمَةِ الرَّحْمَنِ بخواند
 و اگر ظهور آثار و معجزاتی منظور باشد چهار بار یا عجیب
 خواند بعد از آن سه بار یا عجیب الذین آمنوا
 وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَبِزَيْدٍ مَحْمُودٍ فَخْلِهِ بِوَالْكَافِرِينَ
 لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ الْآيَةُ اللَّهُمَّ سَلِّ لَنَا أَمْرًا
 مَعَ الرَّاحَةِ لِقُلُوبِنَا وَ أَبْدَانِنَا وَ السَّلَامَةَ
 وَ الْعَافِيَةَ فِي دِينِنَا وَ دُنْيَانَا وَ كُنْ لَنَا مَبَاحِبًا

فِي سَفَرِنَا وَخَلِيفَتِنَا فِي أَهْلِنَا وَطَمَسَ عَلَى وَجْهِهِ
 أَحْمَدَ آيِنَا وَاسْتَمَرَّ عَلَى مَكَانِهِ حَتَّى كَانَتْ صَبَاحُ
 الْمُنِيَّةِ وَكَانَ الْجَمْعُ إِلَيْنَا وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا
 عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصَّبْرَ مَا قَاتَى يَوْمَئِذٍ
 وَلَوْ نَشَاءُ لَمَمَسْنَا نَاصِيحَتَهُمْ عَلَى مَكَانِهِمْ فَاسْتَبَقُوا
 مُضِيَّاتَهُمْ جَعَلْنَا فِيهِمْ بَازِغَةً يَوْمَئِذٍ
 گردان برای ما کارهای ما را با راحت و در لهامی ما
 و ابدان ما و باسلامت و عافیت دروین ما و نیامی ما
 و باشی برای ما همیشه و در سفر ما و با نشین و راه خانه ما
 و محصورت فرو و آبر روی و شمنان ما و بگردان
 صورت ایشان را یعنی متغیر الاحوال گردان برجا
 ایشان تا نتوانند گذشتن از مقام خود بجانب دیگر و
 نه آمدن بجانب ما بعد از آن شیخ تلاوت کرد و آیت ا

و لو اننا انزلناه من السماء
 برین کتابی طلب کنند ادر این را بپسندید و اگر خواهیم صورت
 بگردانیم ایشان را بر جای ایشان پس نتوانند از جای خود گذشتن
 و بازگردانیدن و آیت ولایت میکنند بر صفت اوصاف حق تعالی
 پس تلاوت کردن این آیت درین مقام بیانی نیست که کتاب
 میکند بین منتهی قیام این فقره صالح است که اعیان را از غیب
 و بر علوب انواع آسانی پیدا یابد و چون شروع در کاری گشت
 ازان نعمت بگذرد و گویا بجزا آمد و اگر در مجلسی مسائل دین یاد و تفسیر
 از کتاب یا ساحت خنده است واقع شود حق سبحان و تعالی باشد و نعمت
 زبانی و دیر می نماید به بار و طریقی علی بن ابی طالب
 که در حدیث است و بجاست و نعمت نکند که با حق تعالی
 و القرآن الحکیم و انما انزلناک علی قلب مستقر و یزید
 الغزیر الرحمن لیسند و ما انزلناک و ما انزلناک و ما انزلناک

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ وَأَنَّهُمْ كَانُوا مُعْتَدِلِينَ
 أَعْمَاءُ قَوْمٍ أَعْلَمُوا بِقَوْلِ الْكَافِرِينَ فَكَيْفَ تَعْلَمُونَ أَنَّهُمْ كَانُوا مُعْتَدِلِينَ
 أَلَيْسَ بَيْنَهُمْ سُلَاطِنٌ أَعْلَمُوا بِقَوْلِ الْكَافِرِينَ فَكَيْفَ تَعْلَمُونَ أَنَّهُمْ كَانُوا مُعْتَدِلِينَ
 سَأَلْنَا الْعَجُوزَ وَنَحْنُ الْوَحِيدُ الْوَحِيدُ الْوَحِيدُ الْوَحِيدُ الْوَحِيدُ الْوَحِيدُ الْوَحِيدُ الْوَحِيدُ الْوَحِيدُ الْوَحِيدُ الْوَحِيدُ
 ترجمه قسم بقرآن متضمن حکمت که هرگز نمیتوانستیم این را برای او استی
 قرآن فرد و آورده شد از جانب خدای غالب هر یک از
 تا بترسانی جماعتی را که ترسان میباشند پیران ایشان پس
 ایشان غافلند یعنی قریش را بترسانی که در میان ایشان
 رسول مبعوث نشده است هرگز نمیشد واجب شده و عده
 عذاب بر بیشترین ایشان پس ایشان ایمان نمی آورند هرگز نمیشد
 ما ساخته ایم در گروههای ایشان بطوفا پس آن طوفا رسیده است
 بزندگان ایشان پس این جماعت سر بالا کنند و مانند سگها
 پیش روی ایشان حجابی و پس روی ایشان حجابی پس بگوید

پوشانیده ایم ایشان را پس ایشان هیچ نمی بینند تا خوش
 و بد شکل شدند این رو با و رسوا و خوار شدند رو با پیش خدا
 زنده و تدبیر عالم کننده و بطلب ز سید هر که بروا شست
 ظلم را فایده علیا بنیگشته اند که **لَا تَجْعَلْنَا فِي عَنَاءٍ وَاعْلَمُوا**
لَا تَجْعَلْنَا مِثْلَ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْحَقِّ وَكُفُّوا عَنْ سُلَيْمَانَ
 برای یاس ایشان از انتفاع آیات قرآن عظیم مثل **عَمَّا**
اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَآتَيْنَاهُمُ اقْوَالَ وَعَمَّا لَ تَصْرِيفٍ در آن
 انتقال میکند بر تصرف قهری حق تعالی بر سر کاران و مخالفان
 و بدست و دست و پا و معطل ساختن ایشان از دیدن و آمد و
 رفت و سعی و مصالح خویش باین علاقه ازین آیات سلسله
 جنبان قهر الکی میشود فایده اگر شخصی برضی یا بر کفایتی
 که ملائکه استقامت نفس نباشد مثل خوف و غضب و تقدر
 و حسد و تشویش و اماره و ساداشی ببداء شود و بدایه که از ساداشی

این آیه است تا غافلان و بیهود و مکرر و اگر مالی یا قاضی
 یا استیسی خوابد که در وقت قضا او بیدار نشود و مستقیم و واقع شوی این
 آیات را در دشمن خود بخوابد یا خود را در و بعد هر نماز تلاوت
 این آیات را لازم گیرد و اگر شش بخوابد که از میان آمد
 بگیرد و اعدا او را بیدار و مستقرض حال او نشوند لَقَدْ
 سَوَّاهُ لَقَدْ لَمَّا كُنَّا فِي قَوْمٍ نَخْلَعُ وَنَخْلَعُ وَنَخْلَعُ وَنَخْلَعُ
 و بجانب آنها پیر باید یا جانب ایشان گفت زنده و اگر غلام
 کسی گریخته باشد و خواهد که او را ستیجیر سازد و این آیات را
 تلاوت نماید یا نام غلام بر ورق نویسد و در جائی که او آنجا
 شب می ماند بیاویزد و یا در دیگی بپزد و سحر را بموم
 گیرد و در جای که آمد و رفت کسی نباشد یا در مقبره که است
 دفن کند و اگر شخصی بغیر حق به صورت کن این آیات با
 شاکست القومین و ما ظلمناهم فاستجابوا له و رجعناهم

فت کنند یا بر جانیه او نویسد و در مقبره گویند یا صحرای
غیر میسوزد و فن نماید یا بر شمال پاره گویند که از مقبره گرفته باشد
بخواند باجماع اول آیات تا غافلون صورت شالیه آن
به سعادت مشتری مناسبت و آخر آنها تا ظلم بخوست
و حل مناسبت و در جمیع اعمال مشتری و حل این فقره
کار بیستوان فرموده و فائده علمای خواص چون اشما و آیات
جلالیه تلاوت میکنند هموزن آن کلمات جمالیه میخوانند
تا نفس داعی پیش از مدعو علیه اثر پذیر نشود اینها این آیات
جمالیه با بدالیه جمع کرد و ظنم ظنم ختم ختم
همزه البس بلیتقیان بلیتقیان و همزه کای بلیتقیان
ر با کرد و در یاد و حالتی که با هم ملاقات میکنند و در بیان
شان حجاب است یکی بر دیگری تعدی نمیکند فائده
درین آیه ذکر آیهی است بر کمال قدرت الهی و صفت هربا

او متعالی قاهر و این فقره صالح است که در میان زمین
از شتر واقع شود و شریک و رعایا را بد و کسب آن
اعوان با و شاه و مانند آن با همه تاج کت و تسکین فقر
تلاو و حمد موجب تسکین آن فقره شود **خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ**
خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ
خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ
و کما یاری حق تعالی پس برسانند و نشوند و شمان
و گرم شدن کارکنایه است از رونق یافتن قاهره
در حدیث آمده است که آنحضرت علیه السلام و بعضی
غزوات شجاعانه ساختند که **خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ**
که اگر احدی شهنشون از شد باین کلمه **خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ**
شنید و آنست که **خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ خُشْوَ**
است پس این کلمه را بر اسمی صدمه نصرت اعدا و کفایت

از صداوت تکرار میکند هفت بار که این کلمه قرآن مجید
به هفت سورت آمده فائده این فقره در اسکات اعدا
و طلب جاه و شمت پیش امر مؤثر است هفت بار
خوانده بجانب آن مردم رفت کند یا به هفت نکره
و مکرده بجانب ایشان پرتاب شود تا کنون الکتب
مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْعَلِیْمِ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ
التَّوْبِ شَدِیدِ الْعِقَابِ ذِی الطَّوْلِ لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ إِلَهِ الْمَصِیْبِ ترجمه فرودستان قرآن
از جانب فدای غالب و داناست آمرزنده گناه
و پذیرنده توبه سخت عقاب کننده صاحب فراخی
(یعنی کثرت مال و زیادت قدرت) نیست هیچ معبود مگر
وی سومی اوست بازگشت فائده این آیه شریفه
مثل آیه الکسری جامع صفات الهیه که مؤثر است در کفایت

همت و منفذ از کلمات زیرا که درین آیه یازده اسم
 از اسماء کل ویند مانند **مُؤْمِنٌ** **مُؤْمِنَةٌ** **مُؤْمِنِينَ** **مُؤْمِنَاتٍ**
الْكِتَابِ عَافٍ الذَّنْبِ قَابِلٌ **لِلتَّوْبِ شَدِيدٌ**
الْعِقَابِ فِي الطَّوْلِ كَالْإِكْلَافِ لِقَاءِ الْمُصْطَفِ
 فایده اکتشاف تلامذات این آیه نافع باشد از مکارشیتان
 و از سوء چشم زخم و مانند آن و وسیله باشد برای استمطاع
 جود الهی و کفایت همت و توسیع رزق و رفع صییت
 و عظمت و جاه مانند آیه الکرسی چنانچه در حدیث صحیح
 آمده **مَنْ قَرَأَ حَمْدَ الْمُؤْمِنِ إِلَى آيَةِ الْمُصْطَفِ وَ آيَةِ الْكَرْسِيِّ**
عَشْرَ مَرَّاتٍ حُفَّتْ بِهَا حُشَى مُوسَى وَ مَنْ قَرَأَهَا حِينَ يُسَبِّحُ مُحَمَّدًا
بِهَا حُشَى مُوسَى رواه الترمذی عن ابی هریرة رضی الله عنه
بِسْمِ اللَّهِ يَا بَنَاتِ بَارَكَ حِطَّانَا لَيْسَ سَقَعْنَا كَهَيْعَتِ
كُنَّا كَيْتَا حَمِصَقْ حَمَا كَيْتَا حَمِصَقْ بسم الله و رواه

و سوره تبارک و یواری برای ماست و سوره یونس
 سقف قائم ماست و کلمه کلید حق کفایت مهمات ماست
 و کلمه حق حمایت ماست ما را از آفات فایده این فقره
 بسیار است بلیغ برای دفع شر مضار محسوس چون مضر
 و زردان و شباطین و ظالمان داعی را باید که وقت خواندن
 آن صورت احاطه نور قرآن در خیال خود دار و دوست
 را بگرد خود بگرداند یا بعضا خنک کشد و استعاده بخورد
 و اگر پیش ظالمی رود و بخواهد که لیس حق و مقارن هر چه فی الجمله
 از دست راست قبض کند و بگوید کفایتنا باز بخواند
 حق و با هر حرفی انگشتی از دست چپ قبض نماید
 و بگوید خاتمتنا بعد از آن چون مقابل آن ظالم رود
 هر دو دست بکشد و بجانب او وقف زند
 قَسِيْرٌ كَفِيْرٌ هُوَ اللّٰهُ وَ هُوَ السَّمِيْعُ

التَّكْوِينِ وَرَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ فَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
 الْعِقَابِ
 از شرخا لمان و دوست شنوا و انا قایم و نزول این است
 برای بشارت آنحضرت علیه السلام است با آنچه خدا بشارت
 با وی معالیه خواهد کرد و از کفایت شرعاً و اطهار و این او
 قانده این آیت انفع اشیاست و طلب کفایت از
 شرعاً و اگر داعی و وحط از نماز است بطریق معلوم و تسبیح
 این و در چهار رکعت سه صد بار بخواند یا در دو رکعت
 و در هر رکعت پنجاه بار و اگر در وحط از نماز است یکصد و یکبار
 هر روز بخواند تا بهشت روز و اگر سیر نشود بعد و
 انسم کافی بکنند و یا از دو بار بخواند شریف العرش
 مَسْبُورٌ عَلَيْنَا وَ عَيْنُ اللَّهِ تَاطَرُّهُ الْيَنَّا
 حَقُّ اللَّهِ لَا يَقْدِرُ عَلَيْنَا وَاللَّهُ مُزِقُّ رَأْسِهِمْ
 حَقُّ اللَّهِ بَلِّغْ قَوْلَكَ فَحَقُّكَ فِي لَوْ حَقُّكَ

ترحمه پرده عرش فرو همیشه است بر ما و مراد از پرده عرش
 خود عرش است و چشم عنایت خدا بیننده است بوسی ما
 بهر و خدا قدرت یافته سخاوت شد بر ما بعد از ان شیخ تلاوت
 کرده کریمه وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَكَرَّمَ تَحِيَّاتُ الْآيَةِ یعنی خدا از جانب
 خلف ایشان بایشان احاطه کننده است بلکه این کتاب
 قرآن است با عظمت و رلوح محفوظ نوشته است
 فائده اینجا طلب است بصیغه مجزیه بر حسن رجا و قبول
 فائده این فقره حصار است بلیغ برای حفاظت از معنی
 غیر محسوس چون حضرت چشم زخم و سحر و آسیب جن و دیگر
 سخطه بد که باشد فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا قَوْلَهُ وَلَا تَحْزَنُوا
 ترحمه پس خدا استعالی بهتر است از روی نگاهبان بود
 و او هر بان ترین هر بانان است فائده این کلمه است
 که این را یعقوب علیه السلام وقت سپردن بنیامین

برادر حقیقی بیعت علیه السلام برادران ملاقاتی بعد
 گرفتن عهود و شکم کرد و اندام بنابر توکل علی الله بعد بر حمایت
 اسباب قائم و این کلمه البته سببی است در باب حفظ اگر شخصی
 خوابد که متاع او از گرم یا از وزدان محفوظ باشد در سر
 آنرا نکسیر کند یا بر کاغذ یا بر سفال یا بره و از او متاع نکاهد
 و اگر در راه خوف قطاع الطريق یا وزدان باشد یا ناله
 قصد ظلم بر وی کند اگر در نماز ملاوت بیشتر دارد و نماز
 بطور صلوة التمجید بخواند و اگر در ذکر لذتی دارد و بکسر کجبار
 ختم این کلمه کند اگر تواند یک هفته هر روز همین ختم کند و
 بهترین ساعتی شل نصف شب یا وقت زوال عصر
 یا پیش از طالع آفتاب إِنَّ قَوْلِي لِلَّهِ الَّذِي قَالَ
 الْكِتَابَ وَهُوَ يَوَدُّ الصَّادِقِينَ ترجمه هر کینه
 کار ساز من خداست آنکه فرود آورده است قلآن را

وادکار سازنی میکند نیکوکاران قائمده این آیت تا تالیف
 دارد و در نفی الغیب و تحصیل نظام هستی و تفری واهی
 ملذذ و نماز این را بهیات صلاوة التسبیح تسبیح بار بجا آورد و ملذذ
 بذكر بعد و اسم و لی چهل و شش بار بعد از نماز بخواند
 حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ هُوَ عَلَيَّ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ
 رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ترجمه کفایت کند و من خدا
 نیستم هیچ معبود مگر او بروی توکل کروم و او پروردگار
 عرش بزرگ است قائمده علیه توکلست خبرست بمعنی
 انشای صفت توکل و اعتماد قائمده شیخ ابوالحسن در
 خواص حسبنا الله و نعم الوکیل رساله نوشته مسنی
 بالسر الجلیل فی خواص حسبنا الله و نعم الوکیل در اینجا
 در خواص این کلمه و طریق تمسک بآن کتابت و تلاوة
 استقصا نموده و هر چه در حسبنا الله و نعم الوکیل است در حسبی الله

لا اله الا هو اتم است بلکه بهتر و موکد تر از آن با جمله این کلمه را
 حفظ از شمار و طلب نفقه الغیب و کفایت مهمات و نصرت
 بر اعدا کیما میست عیب تاثیر و ترکیب آن چنان است
 بر حاجتی که داشته باشد بشمار عدد و اسم مناسب آن حاجت
 از آن بخواند مثلاً برای حفظ از شمار بعد و حقیقت بخواند و بگوید
 طلب نفقه الغیب بعد و در تراق و برای کفایت مهمات
 بعد و کافی و برای نصرت بر اعدا بعد و ناقص و علی
 هذا القیاس با جمله بعد هر اسمی که مناسب ب حاجتی باشد
 بآن سوخته است بسم الله الذی لا یضر مع الشیء شیء
 فی الارض و لا فی السماء و هو التسمیع و العلیم و حمید
 تبرک میگیرم ب نام خدا یکبار نرسیند با نام او چیزی از شمار
 در زمین و نه در آسمان و او ست شنوا و انا قائل و این
 دعائست که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده هر که

صبح و شام سه بار آنرا گوید ضرر نرساند و در پیچیدگی از مفرات
 ارضی و سماوی قائمه و مفرات ارضی مثل سباع و دوا
 و سموم و سحر و مانند آن و مفرات سماوی مانند نجوم و ستارگان
 و آسیب جن قائمه این و غایتی بلخ و اورو و حبس
 هر ضار از ضرایب مثل سباع و دوا و آب سرد و بنیت مبرور
 و آب گرم و بنیت محذور و دوائی و غذا یکم مضرات طبعاً
 یا با اعتبار عین بر وی یا سرور وی و اجاع و اورام و مانند
 آن و شخص بد خو که از وی خوف و قاجت دارد و می باید
 این و محاسنه باریافت باریجو اند و بر آنکه از وی میسر
 رگم کند یا بجانب او رفت کند و اگر حاضر نباشد صورت او
 در خیال حاضر سازد و بنیت او مکر خوانند و کمال
 و ذکر **بسم الله العالی العلی محمد و آله** و طاعت باری
 نیست و توانایی کار کردن نیست الا بعد از دعا و سحر و سحر

نیز یک مرتبه قائل و این که تا تاثیر بیخ و بار دود و سحر
 و زوئین و دوزخست و دعای بد و همت اهل همت
 و هر چه بداند باند با کثر تاثیر بسم الله الذي لا يضره
 من مضاره مسر است و غالب تاثیر لاحول و لا قوة الا بالله
 و دفع مضاره غیر محسوس چنانچه بین فرق و بسم الله بابت
 و ستر العرش مبدول علینا نیز میخواند و می است بدانکه در
 حدیث شریفنا وارد است لاحول و لا قوة الا بالله کثر
 من کنوا الیه و معنی آن نیز در حدیث آمده لاحول عن
 معصیت الله و لا قوة علی طاعة الله الا بالله اے
 باعانه الله تنبیه به ختم این شرح شیخ ولی الله قدس
 نوشته است که اینهمه که نوشتم حکایت امر و جداسی
 بود که بکوفه مثل برق خورشند و بود از آنجمله هر چه محفوظ
 ماند تحریر یث و هم الا قدرتی که بخط حدیث و علم دانشمندی

متعلق داشت الحال پاک نیست که بعضی طرق و دعوت
 حزب البحر که بعضی شایخ آنرا در کتب دعوت نوشته
 حکایت کنیم تا تعلقات حزب البحر را هم احاطه کرد و با هم
 قائل و جمعی از اهل دعوت گفته اند که هر که خواهد و حزب البحر
 عال شود اول به نیت ادای نصاب باترک جلالی جمالی
 و اعتکاف روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد
 و هر روز غسل و یکدو گانه یکصد و بیست بار سجود نماید و از
 روز یکم افزونی نور ماه هر روز نسی بار سجود نماید و تقیه
 مبلغ صد و بیست و شصت میرسد فقیر گوید عفا الله عنه
 این عدد را برای آن اختیار کرده اند که درجات شمس
 سه صد و شصت است در سه مثلث یا وضو و روزه
 پس بخواند صلواتی که او شاه می خواند که او این را رساند و یاد
 مونس باشد که درندگان غالب بودند به نیت بار این حزب

خواسته بروست گفت کند دوست بر تمام احشای خود و
 آرد اگر و کجای می در مانده باشد باید که در مقام عالی مصفا
 بدو غسل و بوی کشت نماز بگذارد و بعد از سلام پنج بار یا
 بار بخواند و برای محبت و آشنایی و بار یا بهضت بار خوانده
 بر کلاب ببرد و چون بر صیقل کنار نشسته افتاد و بار بگوید
 رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ كَرِيمٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ
 و بعد از آن بگوید خداوند با محبت فلان بن فلان در دل
 فلان بن فلان پدید آید و سه روز بهین ترتیب بخواند نگاه
 انشعقن بمقابل آورد و قدری از کلاب بر کف خود مالید
 بر روی خود فرو و آرد اگر انتقام از دشمن منتظر باشد
 تا دوازده روز هر روز سنی و تیر به بخواند چون و اطلس علی
 و جوده اعدا تنها یا ساهت الوجوه بر سه هفتاد و بار بگوید یا قاضی
 ذاللطیف الشدید الذی لا یطاق انتقامه بعد از آن بگوید

خداوند افلاک را بفرمود و بپایان آورد و چشم و گوش و زبان او
 بسته سازد فقیر گوید بعضی عنده شخصی که دشمنی در دین
 داشته باشد برای او شایسته الوجود مناسب تر است
 و شخصی که دشمنی او از جهت امور دنیا باشد و او را شایسته
 لائق تر است برای شفای مریض و دوازده روز هر روز
 دوازده بار بخواند چون بسم الله الذی لا یضر برسر
هفتاد و بار بخواند و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للکونین
یا شافی شفا بخش فلان را و سجده تسخیر سلطین و امر او دوازده
روز دوازده بار بخواند چون بیاضی بیکه مملکت
کشی بی هفتاد و بار بخواند یا غنی بعد از آن بگوید عزیز گردان
مرا و چشم فلان بن فلان پس از آن سه بار انا انک لک
بخواند بعد تمام دعوت هرگاه بخانه او رود این حربا
یکبار بخواند و شجاعت ایمنی راه و سلامتی سفر قبل از آنکه

سوار شود سه روز یا صوم و شرائط و عورت هر روز و روز
 بار بخواند و چون بر قفل میگوید **اللهم لا یقدر علینا کرب**
یفناء و بار یا حقیظ الحقیظ من جمیع البلیات
 یا ارحم الراحمین بخواند بعد از آن در وقت روان
 شدن و فرو آمدن و محل خوف یکبار بخواند باشد بخت
 محفوظ گشتی پیش از آنکه سوار شود سه روز هر روز ^{۱۴} و غم
 بار بخواند چون **بسم الله الرحمن الرحیم** بر سهفتا و بار یا حقیظ
الحقیظ من جمیع البلیات یا ارحم الراحمین بخواند و بگوید
 خداوند ما را در اموال و اسباب و رفیقان خود را بقوامت
 بسیارم بخیریت باطل برسان بعد از آن در کشتی هر
 پنج وقت نماز این حزب را یکبار در روز خود سوار شود اگر طوفان
 بیاید تا آن زمان که طوفان فرو نشیند میخواند باشد
 و بخت تو گری نماند سه روز هر روز ^۹ و زبنت بار بخواند چون

بِرَأْسِ كُلِّ سَلْبَةٍ مِنْ حَسَنَاتِ أَعْيُنِ سَرْمَتِكَ بِسَبْعِ مَقَادِيرَ
 يَا غَنِيَّ اغْنِنِي وَيَا سَدِّاقُ ارْزُقْنِي رِزْقًا كَرِيمًا
 وَاسْعًا يُغْنِي حِسَابًا سَخَوَانًا وَهَرَّ وَزَهْفًا وَبِشْرَ
 رَأْيَانٍ وَشِيرَتِي بُوَسَّخٍ خَوْدِي بِدُرِّ تَابِ ابْوَابِ تَقْوَى
 كُتَاوَةِ كَرَمٍ وَوَجْهَتِ اَوَامِي قَرْضِ تَائِسَةِ رُوزِ سِرِّ رُوزِ
 يَافِزُو وَبَارِ سَخَوَانِ چُونِ بَانِضِ نَارِ سَدِّ هَفْتَا وَبَارِ بَكُوِيَةِ
 اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِخَلَاكَ عَنْ حَرَامِكَ وَاعْنِنِي
 بِفَضْلِكَ عَنْ سَوَالِكَ وَلِيَطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ
 وَبِجَهَّتِ كُشَائِشِ بَهْتِ دُخْتَرَانِ بَرَّابِ بَارَانِ يَارَ آجَاهِ
 كِه شَبِ كَشِيْدِه بَاشَدِ تَائِسَةِ رُوزِ سِرِّ رُوزِ سِرِّ بَارِ سَخَوَانِ چُونِ
 بِسَرِّبِ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ الْخَيْرُ بِسَدِّ يَافِتَاحِ بَرِّ وَجْهِكَ سَخَوَانِ
 مَبْدُؤَانِ بَانَ آبِ دُوسْتِ وَبِأَمِي اَوْشَشْتِ آبِ زَابِ سَمَانِ
 پَاكِ اَنْدَازِ وَكِ پَاسِي كَسِيْدِ رُوزِ سِرِّ وَبِقَالِ فِي وَجْهِ

العدو في الحرب حتى لا ينصرون وقتد
 كان رسول الله صلى الله عليه وسلم
 يقول ما في بعض غزواته ويا صريها احتجاً
 وكان خبيب بن مسلمة يستحب اذا لقي
 العدو وان يقول لا حول ولا قوة الا بالله
 العلي العظيم وروي عن النبي صلى الله
 عليه وسلم انه قال من قال كل يوم لا حول
 ولا قوة الا بالله العلي العظيم مائة مرة لم
 يصيبه فقر ابداً او عن ابي موسى الاشعري
 قال له النبي صلى الله عليه وسلم لا ادلك
 على كنز من كنوز الجنة قال بلى يا رسول الله
 قال لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
 ومما ينفع لوجع الاس ان يضع العاج

يد، على رأس الجميع ويقول بسم الله خير
 الأسماء بسم الله رب الأرض ورب السماء
 بسم الله الذي اسمه بكه وشفاء بسم الله
 الذي بيد الشفاء بسم الله الذي لا يضر
 شيء اسمه شيء في الأرض ولا في السماء ط
 وهو السميع العليم يكره ذلك ثلث
 حرات أو سبع موات وروى عن بعض
 الثقات أنه قال إذا كنت في سفر فوجدت
 الحرب فاقع سورة إذا زلت وأخبر
 بيدك على الأرض وارم بالكتاب في وجه
 الحرب وأمسك بيدك على رأسك ثم اقع
 وأخبر بكم هو طير يقا في البحر ينبت الأ
 تخاف دَرَ كَأَفْ لا تُخَشِنُهُ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ

أَيُّدِ تَحْمِيْدًا أَوْ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا أَوْ غَشِيًّا
مُؤْتَمِرًا لَا يُبَيِّنُ قَوْلَهُ حَلْفَ الدَّاءِ وَي
إِيمَانًا مَوْكِدًا أَنَّهُ وَجَدَ الْحَرْبَ نَهَارًا
فَقَتَلَ ذَلِكَ وَقَعْدًا تَحْتَ شَجَرَةٍ فَوَصَلُوا
إِلَيْهِ وَلَوْ بِيَدِهِ وَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ السَّاعَةَ
كَأَنَّهُمْ هُنَا وَرَأَوْي عَنْ بَعْضِهِمْ هُوَ أَنَّهُ قَالَ
مَنْ أَرَادَ سَفَرًا وَاحْتَبَّ السَّارَةَ فِيهِ مِنْ
أَكْلِ عَمْدٍ وَفَلْيَصِلْ رَكْعَتَيْ نَيْصٍ فِي الْأَوَّلَى
الْفَاحِشَةَ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَفِي الثَّانِي
الْفَاحِشَةَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ وَبَعْدَ السَّارَةِ يَتَقَرَّ سَوْرَةً
أَوَّلًا وَفِي ثَلَاثِينَ يَقُلْ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ
وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ فَأَصْبَحَنِي
فِي سَفَرِي مَثَرًا بِالسَّارَةِ وَالْعَافِيَةِ وَاخْلُفَنِي

في اهلي ومالي وولدي بخير يا ارحم الراحمين
 اقول لو قال اللهم يس لنا اموننا الى ولا
 الجمع الدنيا كان مثل ذلك واذا قال المسبحون
 او الماسور ما شاء الله كان ولا حول ولا
 قوة الا بالله العلي العظيم حسبنا الله
 ونعم الوكيل الفصة في مجلس واحد خلصه
 الله تعالى معجلاً قلت لو قال مكان حسبنا
 الله نعم الوكيل حسبي الله لا اله الا هو
 عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
 كان مثل ذلك كريمة فان توكلت
 حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو
 رب العرش العظيم خاصية هذه الآية
 انها تعطف القلوب المعصية على من

اغرضوا عنه وينعم من كيد الكافرين فمن قرأها
 ليلة الجمعة نفعه الليل ثلثين مرة أو قال في
 آخر كل مرة أو لم يثبت يارب جبي علي
 فاروق بن قلاب أو فلابنة بنت فلابنة واعطفت
 قلبه أو قلبها علي وذلله أو ذللها لي فان
 الله يعطف قلبه عليه ويذلله و يحضرهم
 قال حبيب الله لا اله الا هو عليه توكلت و
 هو رب العرش سبع مرات في الساء كيفيه
 الله تعالى ما اصدقته صادقاً او كاذباً استقر
 ملخص كتاب الهوامع للشيرازي الله
 قدس سره وقد كان الشيرازي في رعيته في شهر
 رمضان سنة الف و مائة وخمس وستين
 وقد تم تلخيصه في ذي الحجة سنة الف و مائة

وثمان وثمانین من ید القاضی سناء الله
 قدس سره و ثانیاً فی سنة اثنین و ستین
 بعد الالف المائتین من ید جامع هذا الاوراق
 ابی الخیر محمد عبد المجید و فقه الله فی
 استباق ما عنده باق الکنون اختتام این باب
 حسب امر قام حضرت قاضی سناء الله که از شیخ خود
 مظله العالی اخذ کرده مینویسم و آن اینست یا الله یا کنو
 نیا حق یا مبین اکسني من نورک و علمنی من علمک
 و فهمنی عنک و اسمع منک و ابصر فی بک انک
 علی کل شیء قدامین ترجمه امی نوات مجمع جمیع
 صفات کمال امی نور روشن کننده ممکنات امی حق
 ثابت بذات خود امی بین نظام هر کشف جمیع ممکنات
 از پرده عدم و اشیای خفیه در علم پوستان مرا از نور خود

و عالم را از علم خود و تمیز گاه و تراز از خود و شنوایان تو
 و تمام را حاکم اشیا بتو پرستی که تو بر هر چیز قادر می باشی یا سمیع
 یا علیم یا حلیم یا علی یا عظیم یا سمیع و عاقلی مخصوصا
 لطافت امین امین امین مرتبه ای بشنوای وانا
 ای بر دبار ای بلند مرتبه ای بزرگ بشنو و عای من خاصه
 هر بانی خود قبول کن این و عاقل قبول کن قبول کن اعش
 یکلمات الله التامات کلام من شس ما خلق جسم
 پناه میجویم بکلمات حق تعالی که تمام و کامل اند بهمه آنها از
 بدی آنچه آفریده است فائده شر را خلق شامل است
 بر ملاکه عذاب و سخت نجوم و شر او میان و شیاطین
 و جان و جانوران و مسموم نباتات و غیره پس این دعا
 صالح اثبت که آنچه در بسم الله الذی لا یضر شیء اسم
 شی گفته شده از تمام جای پادشاه عظیم السلطان

یا قاضی الاحسان یا ذا اثر النعم یا باسط الذیق
 یا واسع العطا یا یاء افع البلاء یا یا حاضر الیس
 بغائب یا موجوداً عند الشدائد یا خفی اللطیف
 یا لطیف الصنع یا حلیم الا یجمل اقض حاجتی
 یحی ماتک یا ارحم الراحمین ترجیه اسی بزرگ
 غلبه اسی از قدر نعم احسان کننده اسی همیشه نعمت دهنده
 اسی فرایغ کننده روزنی اسی کشاوه شش کننده اسی
 دفع کننده بلا یا اسی آنکه حاضر است در هرگاه غائب نیست
 اسی آنکه موجود است نزد غیبتها و پوشیده مهربانی کننده
 پاکیزه کار اسی بزرگوار که جلای نمیکند و گرفتار کنندگار بر آرد
 من مهربانی خود را اسی مهربان ترین مهربانان اللفوانی
 اعوذ با سماء الخروفان المکتوفان السلام المتزل
 القدوس المقدس الطاهر الطاهر یا دهر یا دهر

یاد یحیی یا ازل یا ابد یا من لم یولد و لم یموت و لم یتولد
 و لم یتموت و لم یولد و لم یتموت و لم یولد و لم یتموت
 لا اله الا هو یا من لم یولد و لم یتموت و لم یولد و لم یتموت
 یا و حیا که قبل کل کون و کما یشاء کل کون انما امره ان یشاء
 اذ و انما امره ان یشاء یا جلی عظام الامور سبحانک
 علی حاکم بعد علیک سبحانک علی عفوک
 بعد قدرتک ترجمه ای که همیشه باقی از او پیش از همه
 و ابدی بعد از همه و آنکه نیز تأخیر است و نه پیش از همه
 و نیست او را نه پیش از همه و آنکه همیشه بخیر و امانی آنکه خداوند
 هر مخلوق بوی تو خدای آنکه نیست هیچ مخلوق را و امانی آنکه
 نمیدانند که او را اگر او ای ثابت و متحقق بذات خود ای آنکه
 عالم اشرف و حق است قائل است ای آنکه بود پیش از هر موجود
 ای آنکه باشد بعد از هر موجود و این چهار اسم سرایانی اند که عبرتی

ای روشن کننده چیزهای بزرگ یکی است مترابری با حق
 با وجود دانستن تو یکی است مترابریش تو با وجود توانایی تو
 فان تولى انقل حياء الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو
 رب العرش العظيم ترجمه پس اگر و گردانی کند کفایت تو
 پس بگو حبی الله الخ معنی این گذشته است ایست که مثله
 شیخ وضو السميع العليم ترجمه نیست مانند او چیز است
 شنو اداء اللهم صل و سلو و بارک علی سیدنا محمد
 و علی آل سیدنا محمد کما صلیت و سللت و بارکت و
 رحمت علی بل هدی و علی آل ابن احمیم انک حمید
 ترجمه ای بار خدا یا در و یعنی رحمت و بار او خیر کن و سلام
 از کلمات و این و برکت و ثواب اعمال و درجات بهشت
 بر سیدنا محمد و آل محمد چنانچه در و و سلام و رحمت و برکت است
 برابر انجیم و آل و که انبیا و صلوات باشد و در و و بعد از دعا

سنت و عادت حضرت عمر رضی الله عنه گفته که دعا سعادتی میماند
 و میان آسمان و زمین و بالا میبرد و تا که در دوزخ فرستی به پیغمبر خود
 و حضرت علی رضی الله عنه فرمود که دعا محبوبی است تا که درود
 فرستاده شود بر نبی و آل او و باید دانست که این اقتضای تمامیه
 بهتر از این است و دعای حزب البحر اقامه میگیرد قاضی خاوری
 علیه الرحمه و الرضوان که چون حضرت پیر و تنگین سلاطین
 این فقیر را دعای حزب البحر تعلیم فرمودند فرمودند که هر کس این دعا
 ۹۹۸
 بخواند و در وقت بارش بخواند و اهل اولیاء را بخواند و در روز و شب
 مشغول گردد و طریق دعوت و کوفه همین فرمودند که شاه و علی الله
 قدس سره نوشته اند که اگر آنکه فرمودند بعد غسل جامه تا و خسته بشد
 بخواند و فرمودند اگر کسی طبیعت خود سازد یکبار بعد از یکبار بعد
 حضرت علی را خواند و او را احتیاج نکوه نیست و فرمودند که
 و خواندن این دعا چون بگوید اللهم استر لنا امورنا سجد مطلب خود

و دل حاضر سازد و چون بر کلاه و ابروی علی و جوه اعدا نشا
 رسد بخت چپ اشاره بسوی الی را کند و کلمه سینه انقسم لینا
 و تنزیل العزیز الرحیم لا تم و خیر حفظا بفسیحه مصدر و در
 اعتصام این سخن عمل منکم سو و اکسیرن موافق قرارة شعبه بخوانند
 و هفت حمیدین بخوانند اول حم بسوی مقابل و دوم بسوی
 دست راست سوم بدست چپ چهارم بطرف پشت
 پنجم بطرف پایین و ششم بطرف بالا رو کرده بخوانند بعد از این
 خوانند رفعت با حمد الله تعالی کل بداء و قضایه شیء
 من هذه الجهات الست تأمن باذن الله تعالی
 من جمیع الاوقات و العاهات یعنی و ورک و هم حکم
 خداستعالی هر ملائمی و قضای را که آید ازین اطراف شش نگذارند
 این خاییم حکم خدای برتر از جمیع آفتها و مصیبتها باز بخوانند حمید
 و اشاره کند بآن بعد دفع آفتها می کند و بدین اینکس می خوانند

بعد از آن بخواند **حَمْدُ اللَّهِ** و عا تمام کند و چون بگوید **اَللّٰهُمَّ**
 در یک انگشت از غشتر باها م با هر حرف قبض کند و چون
 کلمه حسن خواند همان قسم بکشد و گوید **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**
 هفت بار بخواند و گوید **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** تا عیسی تسبیح بخواند
 و در اختتام چون سه بار آمین گوید هر بار دست خود در زمین
 و الله اعلم و در وقت و رکوع و مانند آن چون حزب البحرین بار
 خواند اختتام یکبار بخواند و همچنین در آخر اختتام نیز یکبار بخواند
 والله اعلم بالصواب الیه المراجع و المآب

الحمد لله على حسنة من جوده حزب البحرین و روحه و انتقام غشتر
 و از وی یاد و گریه و ناله و شرح قاتر آن موفقه بنایب لا اله الا الله
 ابو النخیر ما خبر ده محمد عبد الباقی خاندان سیمت اقا با تمام این عشق و محبت
 بن حاج محمد روشن خان بر و تربیت یافته در دست امیر محمد مصطفی خان

وز طبع نظامی واقع شہر کانپور باو ایل صفر ۱۲۹۴ھ مطبوعہ گریہ

اطلا ع

واضح ہو کہ جو شرح فارسی حرب البحر معادی نواری عجیبہ
مطالعہ غیبیہ پر تھی لہذا بنظر فریدہ اشاعت اون نواری کے ادب کو
بھی آخر حرب البحر مترجمین بڑھا دیا تا غم و با جملہ طالبان اور وفہم
و شائقان فارسی دان اون نواریہ و خواص سے مطالع ہو کر کا
ہوں اور اپنے اپنے مطالبہ کی و مقاصد قلبی کی پوری فکر اس مضمون
داعی کو دنا خیر و امین سے یاد فرماویں۔

اشتہار

یہ کتاب سب شمار قانون بستم شائع و اصل ہی راجسٹر
گورنمنٹ ہو گئی ہو لہذا کوئی صاحب بنیر اجازت مضمون و ترجمہ
ت چھاپے گا نفر ماویں اگر سلاوب ہو تو طبع نظامی کانپور طلب کر لیں

و صاحبینا کا ایلہ البلاغ

فہرست کتاب حزب البحر با ترجمہ اردو

صفحہ	مطلب کتاب	صفحہ	مطلب کتاب
۲	حب و نفست	۲۹	طریق پختہ حزب البحر کا واسطہ
۳	تکثر و سولفت حزب البحر		حصول مقامہ مخصوصہ کے واسطہ
۴	التماس و المکتبت و وقتہ		واسطہ کشائش ہمت کے واسطہ
	و حزب البحر و تالیف کتاب		واسطہ حزب کے
	و شعاعی	۳۰	واسطہ زبانہ می شہنوش کے
۵	طریق دعوت حزب البحر		واسطہ شفای مریض کے
۶	طریقہ نشیب کلام واسطہ دعوت کے	۳۱	واسطہ تسخیر بادشاہان اور امیران کے
۷	طریق دعوت یعنی آرا کوہ حزب البحر		واسطہ امن اور سلامتی سفر کے
۱۰	اعتصام حزب البحر	۳۲	واسطہ محافظت کشتی و جہاز کے
۱۵	دعائی حزب البحر		واسطہ صلہ و اغواء و تکرار کے
۲۵	اعتصام حزب البحر	۳۳	واسطہ ادائیگی قرض کے

صفحہ	مضامین	صفحہ	مضامین
۳۲	دائے انشراح صدر کے	۳۴	دائے سلاستی ایران کے
۳۴	دائے کمال معرفت نلیہ مال کے		
فہرست کتاب شرح فارسی حرب البحر			
۴۸	بیان خواص حرب البحر	۵۳	حصول نفقۃ الغیب
۵۲	برای مغلوبہ الحال	۵۴	دفع سجن وغیرہ
۵۴	اسکات اہل خسرت	۵۵	خوابی دیار اہل فسق
۵۶	حرب انافات و زوان	۵۶	ہزیمت اعدا
۵۷	دفع چشم خرم و سحر وغیرہ	۵۷	برای ہدیت و تلوین عینیت
۵۸	دفع سموم و اوجاع	۵۸	برای درد و زہ
۵۹	دفع فقر و افلاس	۵۹	برای عینین
۶۰	برای سموی باغ و فائدہ	۶۰	بیان اعتصام حرب البحر
۶۱	برای حفظ امتعہ و اقمشہ	۶۱	دعائی حرب البحر

مجموعه بیان خواجگان و خزان	سفر	مطالعات	مطالعات	سنو
۶۸	بستگاه زبان و شعر	۵۶	تلاش برادری	۵۶
۶۹	از الیخوت و خشت	۵۷	خلاصی از نسق و لوم	۵۷
۷۰	وحید و تشویش و سلیم و شمش	۵۸	رفع خطرات	۵۸
۷۱	برای سلاشی از اعدا	۵۹	فتح بر اعدا	۵۹
۷۲	برای گریختن	۶۰	شغای مریض	۶۰
۷۳	وضع خصوصیت	۶۱	سبزی باغ و گشت	۶۱
۷۴	تالیف فیما بین شوهر و زن	۶۲	شراف بر خاطر و گشت	۶۲
۷۵	اسکات اعدا و طالع و چشم	۶۳	از آله و انوار و قدرت	۶۳
۷۶	اسب و شتر و خیم و قوس	۶۴	حصول نفقه الغیب	۶۴
۷۷	بر مرقی و کفایت همات	۶۵	طوطا ناز و دعا و حرق	۶۵
۷۸	حصان و زرد و شایطین و طالع	۶۶	حصول میر و کار	۶۶

سفر	مطلب کتاب	صفحه	مطلب کتاب
۷۷	کفایت از شر اعدا	۸۲	طریق دعوت خیر الی غیره و انصاف
۷۸	حصار شهر غم و سحر و آسیب	۸۳	خواص زینب الیه
۷۹	حفظ نفس و اولاد و حفظ	۸۴	بر کوفه ضرر بادشاه و وزیران
۸۰	ستاد از کرم و روان	۸۵	برای محبت
۸۱	برای نفقه النیب و حصول	۸۶	انتقام از دشمن
۸۲	انتقام دینی و متری	۸۷	شفای مریض
۸۳	حفظ از مضار و طلب نفقه النیب	۸۸	بجست شیخ سلاطین و امرا
۸۴	و کفایت و نصرت بر اعدا	۸۹	بجست حفظ کشتی و جہاز
۸۵	حفظ از فحشاء ارضی و سماوی	۹۰	بجست تنویری
۸۶	رو سحر و جادو و جنت و عذاب	۹۱	بیان خواص زینب الیه و غیره

فضائل سورہ یس	
بسم اللہ الرحمن الرحیم	
<p>حضرت انس رضی اللہ عنہ سے روایت ہے کہ کافر یا رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نے ہر چیز کے لیے دل ہوا اور دل قرآن کا ایسا ہے اور جسے پڑھی نہیں لکھتا قرآن قہار ہے اور اسکے لیے ثواب سن بار قرآن پڑھنی کا اور فرمایا آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نے کہ جس نے پڑھی نہیں رات کو دس بار طلب کیا اللہ تعالیٰ کے بخشنے کے واسطے اسکے گناہ کو اس ایمان اور فرمایا آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نے کہ جو شخص سورہ یس پڑھے ہر رات کو پھر مرنے کو مرے گا شہید اور فرمایا آپ نے کہ جس نے پڑھی نہیں اول روز میں تو پوری کیجاتی ہیں یہ حاجتیں اوسکی اور ابو قتادہ رضی اللہ عنہ سے کہ چار تا بیس سو بار پڑھے کہ کما کر جو کوئی پڑھی نہیں مغفرت کیجا و اسکے لئے اور جو کوئی پڑھی اسکو اس سال میں کہ وہ بھوکا ہو سیر ہو اور جو کوئی اسکو اس حال میں پڑھی کہ وہ راہ بھول ہو یا بھولے ہو یا بھولے ہو اور جو کوئی پڑھی اسکو</p>	

اس حال میں کہ کوئی چیز اس کی جاتی رہی ہو یا لیوے اس کو اور جو
 کوئی پڑھی اس کو وقت کھانے کے کہ ڈرتا ہو قلت اس کی سے لگتا
 کرے اس کو اور جو کوئی پڑھی اس کو نزدیک قریب المگر کے مایہ
 حقیقی کے آسانی کیجاوے اوپر آوے جو کوئی پڑھے اس کو نزدیک
 عورت کے کہ دشوار ہو بچے کا ہونا اوپر آسانی کیجاوے اور ہر آدمی
 جو کوئی کہ پڑھے اس کو پس گو یا کہ پڑھا قرآن گیارہ بار اور ہر خیر کے
 لئے دل ہوا اور قرآن کا دل پس ہر روایت کی یہ یہی سنی نے
 شعب الایمان میں اور روایت کی حاکم اور یہی نے ابی جعفر محمد بیٹے
 علی یعنی امام زین العابدین سے کہ کہا جو شخص پاوے اپنی دل میں
 سختی یعنی سنگدلی پس چاہیے کہ کلمے فیس والقرآن الحکیم اور ایک
 پیالے میں سات مرتبہ قرآن کے پھر دلی سے اس کو سلامت

محمد روشن خان حنفی
 محمد عبدالرحمن بر

حروف مستطیلہ و خائنین
 برامی مسجد امینی کہ این کتاب بطبع نظامی
 مرود مستطیلہ و خائنین

محمد روشن خان حنفی قلم